



عدم تمایل ارتش لبنان به خلع سلاح حزب الله منجر به تشدید حملات اسرائیل به مواضع و پرسنل حزب الله شده است. اما دولت بیروت از پیامدهای اجرای مفاد آتش‌بس که مستلزم اعمال انحصار سلاح در کشور توسط دولت است، می‌ترسد. عدم تمایل حزب الله به رعایت این مفاد به گفته‌های نعیم قاسم، دبیرکل آن، بستگی ندارد. در عوض، به تصمیم ایران بستگی دارد، زیرا ایران حزب الله را ایجاد کرده و از سال ۱۹۸۲ به آن کمک کرده است تا به یک بازیگر کلیدی در چشم‌انداز نظامی و سیاسی لبنان تبدیل شود

که اولی تهدید به قطع کمک‌های نظامی و کاهش روابط سیاسی می‌کند و دومی حملات هوایی روزانه انجام می‌دهد و پرسنل حزب الله را هدف قرار می‌دهد تا این گروه را مجبور به کنار گذاشتن سلاح‌های خود کرده و ارتش لبنان را متقاعد کند مسئولیت خلع سلاح حزب الله را بپذیرد. ارتش ادعا می‌کند که از نظر قانونی نمی‌تواند خانه‌ها را برای یافتن سلاح جست‌وجو کند، مگر با مجوز دادستان عمومی که گاهی اوقات در موارد خاص حکم بازرسی نظامی صادر می‌کند. فرماندهی ارتش لبنان نگران است که بازرسی خانه‌ها ناگزیر منجر به درگیری با جوامع شیعه محلی و فرار سربازان شیعه شود. طبق آمار غیررسمی، ۴۵ درصد از نیروهای ارتش لبنان شیعه هستند. اسرائیل در برخورد با لبنان طوری رفتار می‌کند که گویی در جنگ پیروز شده است. این کشور به مذاکرات آینده از موضع قدرت نگاه می‌کند و بر خلع سلاح کامل حزب الله و ایجاد منطقه حائل در جنوب لیتانی اصرار دارد. اسرائیل با رضایت ایالات متحده، به طور فعال در یک جنگ فرسایشی یک طرفه علیه حزب الله درگیر است تا هزینه درگیری را برای این نیروی مورد حمایت ایران غیرقابل تحمل کند. ارتش لبنان مصمم است از رویارویی نظامی با هر فرقه لبنانی - که می‌تواند به تجزیه کشور منجر شود - اجتناب کند. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸، فرماندهان نظامی از پیروی از دستورات دولت برای برچیدن شبکه فیبر نوری حزب الله و اخراج یک افسر شیعه طرفدار حزب الله از سمت خود به عنوان رئیس امنیت فرودگاه بیروت خودداری کردند. حزب الله با حمله به بخش غربی عمدتاً سنی نشین بیروت به این دستور پاسخ داد.

هفته گذشته، فرمانده ارتش لبنان از اسرائیل انتقاد کرد و آن را دشمن خوانده و اسرائیل را به نقض حاکمیت لبنان، بی‌ثبات کردن کشور و مانع‌تراشی در استقرار ارتش در جنوب متهم کرد. اظهارات او خشم دولت واشنگتن را برانگیخت و مقامات لبنانی را اغافلگیر کرد، زیرا بسیاری در لبنان از سال ۱۹۴۸ اسرائیل را دشمن می‌دانند. آتش‌بس سال ۱۹۴۹ بین لبنان و اسرائیل بین دو دشمن بود. حتی توافق صلح بین مصر و اسرائیل و تبادل روابط کامل دیپلماتیک آنها از سال ۱۹۷۸ مانع از آن نشد که عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، در اجلاس عربی-اسلامی که سپتامبر گذشته در دوحه برگزار شد، اسرائیل را دشمن اعراب نداند. ایالات متحده خواستار تغییر در دکترین ارتش لبنان شده است که توسط امیل لحود، رئیس‌جمهور سابق، زمانی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ فرمانده ارتش بود، تدوین شده است. این دکترین بر مقاومت در برابر اسرائیل، که تنها دشمن لبنان محسوب می‌شد، تمرکز دارد. برای ایالات متحده، دیگر قابل قبول نیست که متحدهش، لبنان، اسرائیل را دشمن بنامد. با این حال، تغییر این دکترین مستلزم تغییر اساسی در وضعیت امنیتی و به دنبال آن تغییر در توازن سیاسی داخلی است که منجر به ایجاد یک طبقه سیاسی جدید خواهد شد. این امر تنها در یک صورت ممکن است اتفاق بیفتد و آن اینکه جنگی از خارج از کشور رخ دهد و حزب الله به طور کلی نابود شود و ارتش قادر باشد تا کنترل امنیت داخلی را به دست گیرد و قواعد بازی سیاسی را از دخالت در مشکلات امنیتی و ایدئولوژیک خاور میانه دور کند. اما این احتمال هم بسیار بعید است.

نظّم و ترتیب بلندمدت

لبنان به دلیل جمعیت ناهمگن خود که با کشورهای خارجی هویت پیدامی‌کنند و به دلیل اینکه نتوانسته معیارهای اصلی یک نهاد ملی منسجم را برآورده کند، ذاتاً بی‌ثبات است. لبنان به طور مداوم برای حل و یا کاهش مشکلات داخلی خود به دنبال جذب کمک خارجی بوده است و مسئله حزب الله نیز از این قاعده مستثنی نیست. از زمان استقلال در سال ۱۹۴۳، لبنان ۱۲ رئیس‌جمهور داشته است که پنج نفر از آنها فرمانده ارتش بوده‌اند. هم ریاست‌جمهوری و هم فرماندهی ارتش سهم مسیحیان مارونی لبنان است. اما اجماع بین فرقه‌های مذهبی این کشور برای تصدی بالاترین مقام دولتی در لبنان ضروری است. این واقعیت، حداقل تا حدی، توضیح می‌دهد که چرا فرماندهان ارتش هرگز به دنبال تضعیف حزب الله نبوده‌اند و در عوض ترجیح داده‌اند که با آن کنار بیایند. دورئیس‌جمهور، سه نخست‌وزیر و بسیاری از افراد مشهور جان خود را در لبنان از دست دادند زیرا آنها یک مسیر سیاسی مستقل را ترسیم کردند. لبنان همیشه برای رسیدگی به مشکلات داخلی خود به کمک خارجی نیاز داشته است. ایالات متحده و مصر بحران ۱۹۵۸ لبنان را حل کردند و عربستان سعودی رهبری یک تلاش جمعی عربی را برای پایان دادن به جنگ داخلی ۱۹۸۹-۱۹۷۵ بر عهده داشت. از قضا، ایالات متحده و اسرائیل اکنون می‌خواهند حزب الله را خلع سلاح کنند.

اصولی از ساختار سیاسی و ارزش‌ها و مبانی آن معرفی می‌کنند و برای اثبات ادعای خود، هر روز به بهانه‌ای رسانه‌ها یا جریان‌ها یا شخصیت‌های سیاسی و فکری رقیب و نیروهای مستقل و نهادهای مدنی را در قالب سناریوها و فضا سازی‌ها در جایگاه متهم می‌نشانند و جنجال و پرونده می‌سازند. برای این «روان‌های امنیتی»، هر نوع رویکرد، اندیشه، سخن و سبک زندگی مستقل و متفاوت با ارزش‌ها و گفتارهایی که مدعی آن هستند، تهدید قلمداد می‌شود. افکار و جریان‌های رقیب نه به‌عنوان شهروندانی ذیحق که همچون میکروب‌ها و ویروس‌های بیماری‌زا معرفی می‌شود که نه فقط در صورت ظهور و بروز باید آن را علاج کرد؛ بلکه جامعه را باید در برابر خطر آن واکنسیناسیون کرد. واکنس‌هایی هم که این جریان‌ها و نیروها تجویز می‌کنند، عمدتاً تشدید محدودیت‌ها، انحصارها و برخورد‌ها و بگیروبند‌هاست. آنان همان‌طور که در روابط بین الملل، جز «بستن تنگه هرمز» و «خروج از NPT» راهکاری ندارند و در حوزه اقتصاد، جز تشدید برخوردهای تعزیراتی و قیمت گذاری دستوری نمی‌دانند؛ در حوزه امنیت و سیاست و رسانه هم، جز برخورد خشن با گفتمان‌های رقیب و بدیل الگویی ارائه نمی‌دهند. چنان که زمانی، تئوریسین‌های این جریان صریحاً از «النصر بالرب» می‌گفتند و ساختار سیاسی را به «تبدیل منتقد به مخالف و معاند» فرا می‌خواندند و البته که، حکم و فرجام معاند روشن بود. به نظر می‌رسد مقامات ارشد کشور، برای تأمین «امنیت روانی» جامعه، بیش از هر چیز باید تکلیف خود را با «روان‌های امنیتی» روشن کنند؛ جریانی که قدرتمند ماندن آن، نه فقط توسعه، دموکراسی و تنش‌زدایی (که ارزش‌های لیبرال‌ها و اصلاح‌طلبان است)؛ بلکه امنیت را (که مبنای مداوم حکومت و ثبات جامعه است)، به مخاطره می‌افکند؛ بی‌آنکه اندکی مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند و با از طلبکاری‌های خود بکاهند.

تحولات منطقه

اسرائیل به دنبال طرحی استعماری برای کنترل بیشتر فلسطینی‌ها است

طرح جدید اسرائیل برای تکه‌تکه کردن غزه

گروه بین‌الملل: از زمان اعلام آتش‌بس در غزه در ۱۰ اکتبر، تقسیم غزه به یک منطقه به اصطلاح «منطقه سبز» تحت کنترل ارتش اسرائیل و یک منطقه به اصطلاح «منطقه قرمز»، جایی که فلسطینی‌ها آواره و محصور شده‌اند، تثبیت شده است. جدا کردن این دو، «خط زرد» نامرئی است. دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اعلام کرده است که بازسازی به «منطقه سبز» محدود خواهد شد؛ جایی که اسرائیل و متحدانش روی برنامه‌هایی برای به اصطلاح «جوامع امن جایگزین» کار می‌کنند. اگرچه هفته گذشته گزارش‌هایی مبنی بر کنار گذاشته شدن این برنامه‌ها وجود داشت، اما برخی فعالین بشردوستانه اعلام کرده‌اند که اولین شهرک از این نوع قرار است در فرج، جنوب غزه ساخته شود و ۱۰ شهرک دیگر نیز در امتداد خط زرد و به سمت شمال برنامه‌ریزی شده‌اند.

به گزارش الجزیره، اگر برنامه‌های این «شهرک‌های امن» ادامه یابد، تکه‌تکه شدن مرگبار غزه را تثبیت خواهد کرد. هدف از ایجاد این اردوگاه‌ها ارائه کمک‌های بشردوستانه نیست، بلکه ایجاد مناطقی برای سلب مالکیت مدیریت شده است که در آن فلسطینی‌ها برای ورود به منظور دریافت خدمات اولیه غربالگری و بررسی می‌شوند، اما صراحتاً از بازگشت به «منطقه قرمز» منع می‌شوند. این طرح‌ها نشان‌دهنده نسخه جدیدی از کاری است که اسرائیل مدت‌ها می‌خواست در غزه انجام دهد. این واقعیت تلخ توافقی به اصطلاح آتش‌بس در غزه است. این طرح صلح را به ارمان نخواهد آورد؛ غزه و چشم‌انداز حاکمیت فلسطین را بیشتر از پیش تکه‌تکه خواهد کرد. اگر چیزی وجود داشته باشد، این یک طرح برای تکه‌تکه کردن غزه است.

روز دوشنبه این هفته، شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب یک هیئت صلح برای مدیریت غزه و یک نیروی بین‌المللی تثبیت‌کننده (ISF) برای تأمین امنیت، به این طرح مشروعیت بخشید. اما این نیروها چه مناطقی را امن خواهند کرد؟ هیچ صلح مورد توافقی برای حفظ این نیروها وجود ندارد. طبق نقشه‌هایی که از «شهرک‌های امن جایگزین» دیده‌ایم، ISF در امتداد خط زرد مستقر خواهد شد و این اردوگاه‌های تازه تأسیس را امن خواهد کرد.

حماس طبق انتظار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را رد کرده است. واضح بود که مفاد آن نتیجه یک توافق مذاکره شده نبود. در طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ که به عنوان ضمیمه‌ای به قطعنامه پیوست شده بود، می‌توان به ماده ۱۷ استناد کرد: «در صورتی که حماس این پیشنهاد را به تأخیر بیندازد یا رد کند، موارد فوق، از جمله عملیات امدادرسانی گسترده، در مناطق عاری از تروریسم که از ارتش اسرائیل به ISF تحویل داده شده است، ادامه خواهد یافت.» به این ترتیب، «شهرک‌های امن جایگزین» ممکن است به تنها مراکز تحویل کمک تبدیل شوند و در نتیجه محاصره کامل فلسطینی‌ها در غزه را طولانی‌تر کنند.

منطق مرگبار دستور تخلیه در دو سال گذشته فلسطینی‌ها را از خانه‌هایشان بیرون راند و حالا به طرح مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل نیز تعمیم داده شده است. کسانی که خارج از شهرک‌های جایگزین،



عکس: Reuters

دیپلمات‌ها



استقبال پاکستان از همکاری با ایران

سختگوی وزارت امور خارجه پاکستان با بیان اینکه سفر دبیر شورای امنیت ملی ایران به اسلام‌آباد روند مثبت در روابط دوجانبه را بیش از پیش تقویت کرد، گفت: موضوع خط لوله گاز ایران و پاکستان همچنان در دستور کار هر دو طرف است. «طاها اندرابی» سختگوی وزارت امور خارجه پاکستان با اشاره به سفر «علی لاریجانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۲۵ تا ۲۶ نوامبر به اسلام‌آباد خاطر نشان کرد که او در جریان این سفر، مذاکرات رسمی در سطح هیئت نمایندگی با سپهد محمد عاصم مالک مشاور امنیت ملی پاکستان انجام داد و همچنین با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس ملی، معاون نخست‌وزیر / وزیر امور خارجه و رئیس ستاد کل ارتش کشور دیدار کرد. او ادامه داد: در این تعاملات، دو طرف در مورد طیف وسیعی از زمینه‌ها، از جمله تعامل سیاسی؛ همکاری تجاری و اقتصادی؛ مبارزه با تروریسم و امنیت مرزی؛ اتصال منطقه‌ای و تبادلات فرهنگی و مردمی گفت‌وگو کردند. دیپلمات پاکستانی گفت که هر دو طرف در این دیدارها توافق کردند که روابط را به گونه‌ای تعمیق بخشند که رفاه متقابل را ارتقا دهد و به صلح و ثبات منطقه‌ای کمک کند. به گفته سختگوی دستگاه دیپلماسی پاکستان، دو طرف همچنین در مورد تحولات کلیدی منطقه‌ای و بین‌المللی تبادل نظر جامعی انجام دادند و بر اهمیت هماهنگی نزدیک و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات برای پیشبرد اهداف مشترک ثبات و پیشرفت تأکید کردند. وی با بیان اینکه «ایران و پاکستان عزم خود را برای ادامه همکاری در مجامع منطقه‌ای و چندجانبه ابراز کردند» افزود: این سفر، روند مثبت در روابط دوجانبه پاکستان و ایران را بیش از پیش تقویت کرد. منجر به همکاری بیشتر شد و درک متقابل را ارتقا بخشید. او که در نشست خبری هفتگی خود صحبت می‌کرد در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا موضوع خط لوله گاز ایران و پاکستان در جریان سفر دبیر شورای امنیت ملی ایران مورد بحث قرار گرفت؟ تصریح کرد: من معتقدم که این موضوع در جریان رایزنی‌های سیاسی دوجانبه که یک هفته قبل از سفر دکتر لاریجانی برگزار شد، مورد بحث قرار گرفت. من مطمئن نیستم که آیا این موضوع در طول سفر دکتر لاریجانی مورد بحث قرار گرفته است یا خیر. مقام پاکستانی خاطرنشان کرد که این موضوع همچنان در دستور کار هر دو طرف است و فکر می‌کنم این حس کلی وجود دارد که این موضوع به صورت دوجانبه حل خواهد شد.



سفر فیدان به ایران

رسانه ترکیه‌ای به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد که وزیر امور خارجه ترکیه با هدف گفت‌وگوهای بلندپایه با ایران درباره همکاری دوجانبه و ثبات منطقه‌ای فردا عازم تهران می‌شود. منابع دیپلماتیک اعلام کردند که «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه ترکیه برای گفت‌وگوهای بلندپایه درباره امنیت، تجارت و بحران‌های منطقه‌ای از ۳۰ نوامبر (۹ آذر) به ایران سفر می‌کند. شبکه‌تی‌آرتی ترکیه در این باره گزارش داد: آنکارا می‌گوید این سفر بر تقویت همکاری‌های نهادی، ارتقای تجارت و پرداختن به بی‌ثباتی منطقه‌ای از غزه تا قفقاز متمرکز خواهد بود. به گفته منابع دیپلماتیک، فیدان قرار است با «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه و دیگر مقامات ارشد ایران دیدار کند. انتظار می‌رود گفت‌وگوها بر تقویت چارچوب نهادی شورای همکاری بلندپایه، بررسی آماده‌سازی‌های برای نشست نهم این شورا و پیشبرد تلاش‌های مشترک برای تعمیق همکاری‌های امنیتی و مبارزه با تروریسم متمرکز شود. فیدان همچنین درباره تسریع توسعه زیرساخت‌های تجارت مرزی و دستیابی به هدف مشترک دو کشور برای گسترش تجارت دوجانبه به ۳۰ میلیارد دلار گفت‌وگو خواهد کرد. ثبات منطقه‌ای با تأکید آنکارا بر اهمیت گفت‌وگو با تهران درباره غزه فلسطین، سوریه، اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقه و یک راهکار صلح‌آمیز برای برنامه هسته‌ای ایران جایگاه ویژه‌ای در دستور کار این نشست خواهد داشت.